

چگونگی مقایسه کیفیت زندگی در دو بافت قدیمی و جدید فاجعه فراموش ناشدنی در کشور بکجا خواهد انجامید؟ فضیلت قول دادن بالاتر از توان بسیاری هاست

همه چیز جابجا می شود ولی هیچ چیز تغییر نمی کند
جاگزینی نظم مبتنی به زور بر نظم مبتنی بر قانون
نحوه بهره برداری از جنبه های خردستیزی
اهمیت برنامه های دستیابی به "موفقیت"

اصطلاح کیفیت زندگی یا چونی زندگی، بمنظور ارزیابی نیک بود عمومی شهروندان و جوامع مورد استفاده قرار داده می شود. این اصطلاح در طیف وسیعی از زمینه ها، از جمله حوزه های توسعه بین الملل، بهداشت و سیاست مورد استفاده قرار می گیرد. کیفیت زندگی با مفهوم ستاندارد زندگی که عمدتاً بر درآمد استوار است، با اشتباه گرفته می شود. در عوض شاخصهای ستاندارد کیفیت زندگی نه تنها شامل ثروت و استخدام هستند، بلکه شامل محیط زیست، سلامت جسمی و روانی، تحصیلات، تفریح و اوقات فراغت و تعلق اجتماعی نیز می شوند. کیفیت زندگی، بنحوی بیانگر وضعیت افراد ساکن در یک کشور یا منطقه میباشد. نظریات نخستین مربوط به کیفیت زندگی، بیشتر بر نگرانی ها و اولویت های فردی تأکید داشتند. اما در سال های پسین، مباحث نظری از فرد محوری بسمت نگرانیهای اجتماعی نظیر امنیت، آزادی، گستردگی کیفیت زندگی و ساختار و کیفیت روابط اجتماعی افراد در جامعه تغییر یافته است. بگونه کلی، کیفیت زندگی در برگیرنده مسایل مادی و غیر مادی است. از بُعد مادی، کیفیت زندگی نه تنها مقوله هایی چون ستانداردهای زندگی و امکانات زیربنایی، تولید اقتصادی، اشتغال، قیمت ها، قانون را در بر می گیرد، بلکه مواردی همچون سلامتی، بیشتر بر نگرانیها و اولویت های فردی تأکید داشتند در بُعد مفاهیم غیر مادی، کیفیت زندگی در برگیرنده تجارب و دریافت های شخصی افراد و برخوردهای آنها در زندگی واقعی شان میباشد. بطور کلی می توان کیفیت زندگی را با استفاده از شاخص های ذهنی و عینی محاسبه نمود. مداخلاتی که عوا مل تاب آوری را هدف قرار می دهند، مانند برنامه های تقویت ذهن نیز کمک نماید.

در مبحث حاضر، نخست پایین مسأله خواهیم پرداخت که در امتداد هفته های پسین، کارکنان مرکز مطالعات امریکای شمالی و دست اندرکاران آزمایشگاه مرکز مطالعات خاورمیانه، طی میزگردی در مورد بحران در کشور عزیز ما به بحث و مذاکره پرداختند. قبل از طرح اصل مطلب مورد نظر، یاددهانی این مسأله لازمی بنظر می رسد که چگونگی موضعگیری و نحوه عملکرد قدرت های منطقوی بمسأله فوق با هم تناقض داشته و در بسا زمینه های مسأله مورد بحث، اختلاف نظرهای جدی موجود می باشد. در کنار اینهمه، بررسی چگونگی تغییر رویکرد سیاسی ایالات متحده در منطقه و بویژه فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق بکشور عزیز ما از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. بادر نظر داشت وضعیت کنونی در کشور، اینک بیشتر از سه سال است که شهروندان کشور عزیز ما در ناامیدی و یأس فراوان، روزها و شب های غم انگیزی را با دشواری های موجود به سختی پشت سر می گذارند. عفو بین الملل با صراحت اظهار نمود که "طالب" ها به ضوابط و اصول جهانی پشت پا زده، حقوق بشر را نقض نموده و با راحتی و مصونیت کامل بارتکاب جنایت در قبال شهروندان کشور افغان ها مبادرت ورزیده و قبل از دیگران و بیشتر از پیش این بانوان کشور اند کازین مدرک متحمل زیان های بی پایان شده و در نتیجه عملکردهای اینچنینی حاکمان کنو

نی کشور، حقوق و آزادی های برحق و تمامی دستاوردهای بدست آمده آنها بگونه صریحی نقض گردیده و اما با دیده درایی مدعی می گردند که به تمامی حقوق و آزادی های بانوان کشور مطابق "شریعت"، احترام گذاشته میشود. عفو بین الملل، با استفاده از ارزیابیهای گسترده ای با بیش از ۱۵۰ تن از شهروندان، از جمله با مدافعان حقوق بشر کشور، تحصیل کرده ها، معترضان، فعالان، جوانان، اعضای جامعه مدنی، روزنامه نگاران و اهل مطبوعات مصاحبه نموده و در نتیجه، ناامیدی و عدم اطمینان بآینده شهروندان کشور را بویژه از چگونگی واکنش های جامعه بین المللی و همچنان نگرانی ها و ترس از آینده را مستند نموده و پیشنهادهای را در زمینه مطرح نمود. در نتیجه انجام مصاحبه و صحبت با کتله های متنوع شهروندان کشور، این واقعیت بیش از هر زمان دیگر واضح و مبرهن گردیده و همه معتقد گردیدند که جامعه جهانی شهروندان کشور ما را تنها رها نمودند. کارمندان سازمان های دفاع از حقوق بشر معتقدند که عفو بین الملل نه تنها در امر پاسخگویی "طالب"ها در مورد انجام جنایت و نقض صریح حقوق بشر کوتاه آمد، بلکه باتخاذ راه حل ستراتیژیک بمنظور جلوگیری از انجام خشونت بیشتر در جامعه افغانی نیز موفق نگردید. فاجعه بشری اینک سه سال است که در سرزمین کشور عزیز ما همچنان ادامه داشته و نبود پیشنهادهای و طرح هایی بمنظور پایان بخشیدن بوضع موجود، واقعا مایه شرمساری تمام جهان پنداشته می شود. گفتگوها و مصاحبه های یاد شده با شهروندان ۱۷ ولایت کشور و همچنان با آنده از افغان هایی که مجبور به ترک سرزمین آبایی و اجدادی شان شده اند، صورت گرفته است.

در مورد حقوق و آزادی های بانوان کشور، بایست متذکر گردید که بتعداد ۲۰ تن از بانوان، بمتابۀ مدافعان حقوق بشر، بنمایندگی از ۲۱ ولایت کشور اظهار نمودند کاتنها بگونه همه جانبه و کاملی اداره زندگی شان را از دست داده اند. بانوانی که با آنها مصاحبه و گفتگو انجام پذیرفته، قتل در زمینه های مختلف حیات اجتماعی از جمله در بخش های حقوق، سیاست، روزنامه نگاری، آموزش و پرورش و ورزش مصروف کار و فعالیت بوده اند. در امتداد زمانی پس از رویکار آمدن مجدد "طالب"ها در کشور، بانوان کشور چنین می پندارند که از هیچگونه حقوق و آزادی های شهروندی برخوردار نبوده و از سهمگیری در حیات اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی کشور کاملن محروم گردیده اند. عده ای از مسوولان و مقامات "طالب"های ساکن در ولایت کنذ متذکر گردیدند که با تمامی آنهایی که به بهانه دفاع از حقوق بشرواعاده حقوق بانوان به ترویج فسق و فساد مبادرت می ورزند، توسط مقامات مسؤل قضایی برخورد قانونی صورت خواهد گرفت. باینهمه، اما "طالب"ها هرگونه اتهام آزار و اذیت جنسیتی را رد نموده و تمامی عملکرد های شان را مطابق با شریعت و بر بنیاد فرهنگ افغانی می پندارند. اینک مشاهده می گردد که با آغاز دور دوم حاکمیت آنها در کشور، احکام و رویه های بازدارنده و سرکوبگرانه که درابتدأ بمتابۀ اقدامات مؤقت بمنظور تضمین امنیت شهروندان و بویژه امنیت بانوان کشور طراحی شده بود، لغو گردیده، بلکه همچنان در جامعه نافذ بوده و مر الاجراً پنداشته می شود. شهروندان کشور فریاد زده و با صدای بلند می گویند که گفته می شد، "طالب"ها متحول شده و به موطنان گوشزد می گردید که در تلاش ها بمنظور اعاده صلح و سلم در جامعه نباید دخالتی داشته و اطمینان دادند که جامعه جهانی در کنار شهروندان کشور خواهد بود، اما اکنون مشاهده می گردد که آنها همه ی ما را با کوهی از مشکلات تنها رها نمودند.

در مورد اجرای عدالت و شفافیت امور بایست متذکر گردید که پس از بازگشت مجدد "طالب"ها بقدرت، سیستم قضایی و حقوقی در کشور سقوط نموده و در ماه قوس سال ۱۴۰۱ خورشیدی، رهبر "طالب"ها، اجراً و تطبیق اجباری ضوابط شریعت در کشور را حتمی و ضروری اعلام نمود. آنها مدعی گردیدند که بیشتر از این، در محاکم نیازی ب موجودیت و مشارکت وکلا نمی باشد. همه شهروندان کشور شاهدند که "طالب"ها به سیستم قضایی اصلن وقعی نگذاشته و در عوض به تفسیر خودشان از شریعت که عمدتن توسط علمای مدارس ارائه شده است، تأکید می ورزند. نماینده های جامعه مدنی اظهار نموده اند کاجرای مجازات بدنی، از جمله شلاق زدن و اجرای اعدام ها در ملأی عام، قطع دست و پا، سنگسار و سایر انواع و اشکال بد رفتاری ها و شکنجه شهروندان کشور، بمتابۀ نقض صریح حقوق و قوانین بین المللی پنداشته می شود. در مورد دسترسی شهروندان کشور به محاکمه عادلانه و راه حل های حقوقی پذیرفته شده، اصلن حرف و حدیثی در میان نمی باشد.

در شرایط و وضعیت کنونی، جامعه مدنی در کشور در شرف از بین رفتن بوده، مدافعان حقوق بشر، بانوان معترض، سازمان های توده یی، روزنامه نگاران و فعالان سیاسی، از دید "طالب"ها بمتابۀ دشمنان تلقی می گردند. افراد و اشخاصی که جرأت اعتراض بوضعیت خفقان آور در کشور را دارند، بگونه مستقیمی در معرض آدم ربایی اجباری، بازداشت خودسرانه، زندان، شکنجه و انداع بد رفتاری ها قرار می گیرند.

بسیاری از شهروندان دگراندیش از ترس سرکوب و حذف شدن، کشور را ترک نموده و خانواده و شغل شان را از دست دادند. در وضعیت اینچنینی، صدها تن از مدافعان حقوق بشر، توانایی انتقال خود و خانوارهای شان را حتی بکشورهای همجوار هم نداشته و با مشکلات عدیده حقوقی و معضلات مادی دست و پنجه می نمایند. جامعه حقوق بشر در کشور ما نه تنها از جانب "طالب" ها احساس خطر می نمایند، بلکه با درد و دریغ مشاهده می نمایند که با وجود وعده ها، جامعه جهانی آنها را تنها گذاشته و رها نمودند.

برخی از فعالان حقوق بانوان که در خارج از محدوده کشور زندگی می نمایند، ادعا می ورزند که آنده از شهروندان کشور که بگونه ناگزیر بخارج از افغانستان فرار نمودند، عملن از حیات اجتماعی در کشور حذف گردیده اند، زیرا در داخل محدوده کشور موجود نبوده و هر نوع ادعای خصمانه حاکمان کنونی کشور علیه آنها از اساس و بنیاد قانونی بر خوردار نمی باشد. عده ای از آنها که در داخل کشور باقی ماندند، خطرناک محسوب گردیده و از سهمگیری در امور و مسایل حقوقی نیز محروم گردیدند.

اما از جانب دیگر، فعالان حقوق بشر سازمان عفو بین المللی چنین می پندارند که بحران و خیم حقوق بشر در افغانستان، تا حدی بدلیل ادعای های مکرر "طالب" ها و تبلیغات پرسروصدای آنهاست که مدعی می باشند که افغانستان بیش از هر زمان دیگر امن تر بوده، اقتصاد کشور در حال رشد بوده و از رهگذر مناسبات اجتماعی، با سایر شهروندان کشور با احترام و حفاظت کامل و بر بنیاد شریعت رفتار می شود.

بخاطر ما باشد که فرارگردانندگان ریاست جمهوری در کشور و فروریزی سریع باشگاه قدرت در کابل و بقدرت رسیدن "طالب" ها کمک های غرب بمشور عزیز ما متوقف گردیده، ساختارهای سیاسی و اقتصادی در امتداد چند ماه از هم فروپاشیده، روابط و مناسبات منطقه یی و جهانی نیز دستخوش تغییر گردیده و کشور عزیز ما در شرایط و وضعیت بحران عمیق اقتصادی - سیاسی وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد. پایان پذیرفتن حضور و ختم موجودیت نظا میان خارجی، بنحوی از انحاء به تشدید و خامت وضعیت بشردوستانه از قبل دشوار منجر گردید. بموازات آن، رویدادهای یاد شده ممکن مرحله جدیدی را برای سایر بازیکنان جامعه بین المللی بگشاید. اصل فراخواندن نظامیان ایالات متحده و خروج از منطقه افغانستان - پاکستان بویژه بمنظور رهایی از زیر بار جنگ "غیر ضروری"، از اهمیت بسزایی برخوردار بود. کشور عزیز ما افغانستان، به نخستین و آخرین کشور بمنظور تطبیق عملی طرح های واشنگتن عمدتاً بمنظور دموکراتیک نمودن خاورمیانه بزرگ مبدل گردید. بر بنیاد ستراتیژی یاد شده، بمنظور وسعت دامنه نفوذ و تأثیر گذاری بیشتر ایالات متحده، کشور ما باید به منطقه خیز در اعماق جهان اسلام، مبدل می گردید. شکست طرح یاد شده و تشدید تقابل بین المللی واشنگتن، مسکو و پکن در امتداد سال های پسین، خطر تبدیل کشور عزیز ما بمحل مناقشه میان قدرت های بزرگ و گسترش ایده های کاملن متفاوت دسته بندی های تروریستی بنیادگرا را در پی داشت. موجودیت روندهای اینچنینی، بویژه در غیاب اجماع سیاسی بین المللی در مورد کشور عزیز ما مسایل متعددی را مطرح نمود، از جمله یکی هم اینکه پایان درگیری های مسلحانه در کشور ما تا چه اندازه و متکی بر کدام بنیادی، با پایان بحران سیاسی بین المللی ناشی از آن همراه خواهد بود؟

اما "طالب" ها با اقدامات و چگونگی عملکردهای شان، فضای مملو از ترس و هراس عمومی را بر سراسر کشور مستولی نموده و بر کلیه امور و سایر بخش های حیات اجتماعی در کشور نظارت دارند. شماری از فعالان و مدافعان حقوق بشر متذکر گردیده یادآور می شوند، گروهی که زمانی بانجام عملیات انتہاری ناگزیر گردیده و به کشتن شهروندان غیر نظامی و نیروهای امنیتی کشور مبادرت می ورزیدند، با عمل اینچنینی متوسل نخواهند گردید، زیرا اکنون تمامی قدرت سیاسی را در اختیار دارند.

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که بویژه پس از روی کار آمدن مجدد "طالب" ها، ناامیدی بمفهوم واقعی کلمه، گریبا نگیر جامعه افغانی بوده و بدون کم و کاست قابل لمس می باشد.

با وجود ایراد خطابه های بلند بالا و هیجان انگیز، جلسات پی اندر پی و...، اما "طالب" ها همچنان و بیشتر از پیش به نقض صریح حقوق بشر و به نابودی همه موارد و پدیده هایی که محصول دوده کار و فعالیت خستگی ناپذیر شهر و ندان کشور در سایر عرصه های خصوصی و عمومی بود، کمر همت بستند.

در نهایت امر، سایر بازیکنانی که بنحوی از انحاء در مورد مسایل مربوط بکشور عزیز ما سهم می باشند، باید به جمعآوری امکانات مبادرت ورزیده و پلتفورم های خلاقانه ای را بمنظور دستیابی براه حل های بلند مدت و مؤثر جستجو نمایند و این، زمانی میسر و دست یافتنی خواهد بود کانها فرصت ها، منابع و مهارت های لازم در اختیار داشته باشند.

جامعه جهانی با تمامی قوا از اقدامات یادشده باید حمایت و پشتیبانی بعمل آورده، به صدای رسای شهروندان کشور باید وقعی گذاشته و همین اکنون نیروهای پراکنده و جدا از هم در جامعه افغانی را باهم متحد نموده و تا دیرنشد، وارد عمل شویم.

شنبه ۱۳ ماه دلو سال ۱۴۰۳ خورشیدی برابر با اول ماه فبروری سال ۲۰۲۵ ترسایی